

مکتوب جدید فارسی عمومی که هنوز ارسال نگردیده

هو الله

اللّهُمَّ يا الهی و محبوبی و مطلوبی و مقصودی انّ هذا يوم الاول من الرضوان قد اتى بفرح و سرور و روح و ريحان فالارياح قد هبت و الغيوم فاضت و الشمس اشرفت بفضلک و بسطت ریح الصّبا في هذا الرّبيع البديع على السّهول و الحزون بفيضک المشکور زرايية سندسيّة ينعكس منها ابداع الوان عبقرية مرصعة بحلل الزهور و الاوراق التي تخطف نضرتها الابصار و التّسيم رخيّم و المّعين نمير و الرّوض انيق و الايك نضير و الغمام مطير و الكوكب منير بفيض جودک و عطائک فاصبحت الغبراء خضرآء بعنايتک و البسيطة جنّة المأوى برحمتک اذ اتى يا الهی يومک الرضوان بعظمة و سلطان و کوکبة تملأ الامکان و موكبة من الرّوح و الرّيحان و خيّم في قطب الآفاق بسطوع انوار الاشرار و ساق جيوشه و بعث جنوده الى المشارق و المغرب في قطب الجنان فامتلاً قلب احبائک فرحاً و سرورا و انجذبوا بنفحاتک طرباً و حورا فقاموا على ثنائک شوقاً و توقا و سقاهاهم ربهم شراباً طهورا و لك الحمد يا الهی على ما انعمت و لك الشّکر يا منائى على ما اكرمت و لك المنّ يا محبوبى على ما اعطيت الهی الهی انت المقصود فافتح على وجوه احبائک في هذا اليوم المشهود ابواب الفضل و الجود و انشر على رؤسهم شرار الهدى في السّفينة الحمراء و احشرهم تحت راية الفضل و العطاء و انزل عليهم آية التأييد في قطب الانشاء ربّ ربّ اجعلهم نجوماً باهرة و سُرجاً ساطعة و كواكب لامعة و شهباً ثاقبة حتى يقوموا على خدمة امرک بين خلقک و ايقاد نار محبتک في قلوب بريّک و نشر آثارک في بلادک و تربية النفوس في مملکتک فتمتدّ في الارض مائدة سمائک و يصبح الامکان جنّة الابهي بقدرتک و الغبراء غبطة للخضرآء بفيض حکمتک اللّهُمَّ اجعل احبائک ملائكة سمائک في ارضک و اصفيائک حزب ملکوتک في ملکک هذا منتهى امل عبدک الذى خضع لسلطانک و سجد بيابک و تذلل لعزّتک و اکبّ بوجهه على التراب لسلطنتک انک انت الکريم الرّحيم العزيز الوهاب

ای یاران روحانی عبدالبهاء در ایندم که کوکب عید رضوان از مشرق امکان درخشنده و تابان و جهان از وجد و طرب در نهایت روح و ریحان جذب و سرور است وله و حبور و تجلّی یوم مشکور شادمانیست و کامرانی روحانیست و وجدانی نغمه و آهنگ است و ترانه چغانه و چنگ از هر جهت آثار فرح ظاهر و از هر سمت انوار جذب و وله باهر یاران الهی در نهایت شادمانی و اصفیاء رحمانی در منتهای کامرانی زیرا یوم خروج اسم اعظمست در عراق از مدینه الله بحدیقه نورا و حضرت مقصود در آن یوم مشهود در نهایت فرح و سرور بودند لهذا اشراق آن بشاشت ملکوت وجود را احاطه نمود و در آن روز فیروز اعلاء کلمة الله بر جمیع امکان گشت

پس ای یاران الهی در این عید مبارک باید کلّ چنان وجد و سروری نمائید که ملکوت وجود را بحرکت آرید لهذا عبدالبهاء بشارت کبری فائز و نهایت تضرّع و ابتهاج را بدرگاه جمال ابهي مینماید که جمیع یارانرا بروح و ریحان آرد و سرور و شادمانی بخشد و امیدواریم که در سنه آتیه دوستان حضرت رحمن در بلاد آزاد در نهایت روح و ریحان مشرق الاذکار بنیاد نمایند و بمحامد و نعوت جمال مختار واضحاً مشهوداً قیام کنند و ادای صلاة فرمایند زیرا در عالم عبادت صوم و صلاة دو رکن اعظم شریعت الله است فتور ابدلاً جائز نه و قصور یقیناً لائق نیست در زیارت میفرماید اسئل الله بک و بالذین استضائت وجوههم من انوار وجهک و اتبعوا ما امروا به حباً لنفسک میفرماید که متابعت احکام الهی منبعث از محبت جمال محبوب و سالک چون مستغرق در بحر محبت الله شود بحرکت شوقیه قیام بر متابعت اوامر الله نماید لهذا ممکن نیست که در قلبی نفعه محبت الله باشد و عبادت حق قیام نماید مگر در مقامی که سبب فزع و جزع مبغضین شود و فساد عظیم بر پا گردد والا مفتون آن جمال ابهي البتّه دائماً در عبادت حضرت ربوبیت مداومت فرماید

ای یاران الهی عبدالبهاء از فساد اعدا و فتنه مرکز نقض در خطری عظیم است هر واقعه‌ئی که رخ دهد از جزئی و کلی نفسی را متهم نمائید جمیع از فساد و عناد مرکز نقض است اسئل الله ان يجعله تائباً راجعاً الى العهد و الميثاق والا فسوف یری نفسه فی خسران مبین در این ایام در تصور آنست که اسباب فراری فراهم آرد و از ارض مقدس بگریزد تا در فتنه بیشتر کوشد و فرارش سبب ازدیاد صدمات و بلاهای این عبد و احبباء الله گردد آنچه توانست از انواع دسائس و رذائل و فتنه‌جوئی و شرارت و اغوا و افترا مجری نمود و کوتاهی نکرد چیزی که باقی گذاشته فرار است و حال در صدد آن که عار فرار اختیار کند و سبب ذلت کبری گردد و فتنه عظمی اگر فرصت بدست آورد دقیقه‌ئی در فرار تأخیر ننماید اما تمکنش در فرار مشکلسست اما در صورت وقوع باید احببای الهی بیدار باشند و هوشیار و در جمیع جهات مواظب باشند که مبادا رخنه‌ئی در امر الله کند و سبب نشر نفعه کریهه بغضا گردد از بعد از صعود تا بحال آنچه سبب ترضیع امر الله بود مجری داشت حال نیت این عمل مکروه مذموم را نیز دارد در این ایام بعضی از نفوس مهمه تصور آن داشتند که بکوشند تا رفع سجن از عبدالبهاء گردد و مقتدر بر آن بودند ولی این عبد در جواب گفت که این قلعه سجن جمال ابهاست قریب بیست و چهار سال جمال مبارک در این زندان بودند لهذا من رهائی از این زندانرا نخواهم و طلب نجات نکنم بلکه تجدید سجن را جویانم و بمنتهای آرزو اعظم از آنرا خواهم آن نفوس از این بیان متحیر ماندند مقصد آن بود که بدانند زندان در سبیل یزدان از بهر ما ایوانست و تنگنای چاه ماه فی الحقیقه چنین است هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبین مرکز نقض را امید چنین است که چون خون این مسجونرا هدر دهد میدانی خواهد یافت و جولانی خواهد داد بس الظن هذا الظن ان بعض الظن اثم عظیم سرمستان صهبای میثاق از اهل نفاق بیزارند و مقتبسان نور اشراق از اهل شقاق در کنار بلبل وفا اگر بحدیقه بقا پرواز نماید نفس هوشیار نعیب زاغ و نعیق کلاغ را استماع نخواهد و وجه ملیح صبیح اگر در پس پرده حجاب رود روی کریه قبیح را هیچ دانائی نظر ننماید مگر نفسی فتنه‌انگیز و بی عقل و تمیز اعاذکم الله من شرور الناقضین و فساد الناکثین

ای احببای الهی متحد و متفق شوید و بعروة الوثقای میثاق متشبث و در اعلاى کلمه الله سعی بلیغ و جهد جهید بنمائید تا نور حقیقت آفاق امکانرا بتمامه منور نماید و ظلمت بغضا و ضلال بکلی زائل گردد مرکز نقض اگر چنانچه ضررش مجرد باینبعد بود و بغضایش مخصوص باینمظلوم مسجون والله الذی لا اله الا هو که کلمه‌ئی در مقابل رسائل شبهات و مفتریات او تکلم نمینمودم ولی چه توان نمود که تحریف کلمات الله نموده و هدم شریعت الله و نقض میثاق الله روا داشته اگر محض ایفاظ یاران بکلماتی چند رفع شبهات نمینمودم شریعت الله بکلی از میان میرفت والله الذی لا اله الا هو مجبوراً این کلمات مختصره مرقوم میشود والا اینبعد ابداً راضی بآن نیست که کلمه وهنی در حق اعدا عدو خویش بر زبان رانم با وجود جمیع این وقایع باز دعا کنم و عجز و نیاز نمایم بلکه از این ملاعب صبیان بگذرد و از ظلم و طغیان راجع شود و تائب گردد و در ظل میثاق درآید والله الذی لا اله الا هو نهایت محبت و مهربانیرا نمایم و از گذشته کلمه‌ئی بر زبان نرانم و تکلیفی باو ندارم مگر آنچه تحریف نموده تصحیح نماید باری اس اساس شریعت الله اینست که احببای الهی با جمیع ملل و امم در نهایت مهربانی و مودت و یگانگی و صدق و صفا و وفا معامله نمایند ابداً بر خلاف این اساس متین با نفسی رفتار ننمایند مگر نفسیکه صرف بغضا باشد و عمداً هدم شریعت الله خواهد این نفوس ابداً چاره‌ئی ندارند میدانی از برای ایشان نباید گذاشت که جولان نمایند زیرا شهادت حضرت اعلی و شهادت جمیع شهدا و سفک این خونهای مطهر و بلایا و محن و سجن و رزایای خمسین سنه جمال انور را بکلی هدر دهند و بنیان عظیم امر الله را قاعاً صفصفا کنند لهذا باید از این نفوس احتراز نمود و همدم و دمساز نگشتن الا ان یتوبوا الى الله ان ربی تواب رحیم و توبه نیز باید صمیمی باشد نه لفظی توبه مظهر نقض اینست که تحریف را تصحیح کند و اقرار بآنچه کرده بنماید و تائب الی الله گردد والا یومی بواسطه حضرت علی قبل اکبر نزد عبدالبهاء آمد و در را بیست و اعتراف بر گناه نمود و عفو خطیئات خواست و اینبعد نیز عفو نمود بعد از چند روز واضح و

مشهود شد که این نیز حيله و تزويرى بود و مقصد آنکه نفوس را بنخفا ملاقات نمايد و القاء شبهات کند زیرا احبای الهی
احتراز از معاشرت مينمودند مقصود اينست که توبه صميمى از توبه صنعى بايد ممتاز گردد آنوقت قبول شود و عليكم التَّحِيَّة و
التَّنَاء

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستيد از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سايت www.bahai.org/fa/legal استفاده نماييد.

آخرين ويراىستارى: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر